واحد مطالعات راهبردی

اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

تیرماه ۱۴۰۳

جامعه اسلامی دانشجویان

دوگانگی‌های کاذب

تحلیل و بررسی دوگانه‌های انتخاباتی سال‌های اخیر
و جریان شناسی پیرامون شبهات آن‌ها



بسم الله الرحمن الرحیم

يَـا أَيُّهَا الَّذِيـنَ آمَنُـوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِـقٌ بِنَبَـإٍ فَتَبَيَّنُـوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًـا بِجَهَالَـةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَـا فَعَلْتُـمْ نَادِمِينَ {۶}

ای اهل ایمان ! اگر فاسقی خبری برایتان آورد ، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی ، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید .

سوره مبارکه حجرات آیه ٦

شناسنامه

تهیه: اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

گردآورنده: واحد مطالعات راهبردی

تنظیم: شیرین مهدیان

طراح و صفحه‌آرا: امیررضا قره‌شهرک

کلام آغازین

در فضای تبلیغات رسانه‌ای و خصوصا با شروع مناظرات تلویزیونی از سال ۸۸، رویکرد جدیدی در تبلیغات نامزدها رغم خورد. رویکردی که با عبور از دهه ۸۰ و ورود به دهه ۹۰ ما را با پدیده جدیدی در فضای انتخابات ریاست جمهوری مواجه کرد؛ برخوردها و رویکردهای اغلب نامزدان، خصوصا در مناظرات تلویزیونی، بیش از آنکه برمبنای ارائه طرح یا برنامه خود یا تحلیل فضای موجود و طرح فضای مطلوب خود باشد، بر محور پروپاگاندا می‌چرخد.

اما پروپاگاندا چیست؟

در لغت پروپاگاندا تحت عنوان تبلیغات سیاسی و جوسازی معنا می‌شود. پروپاگاند (به فرانسوی: **Propagande**) یا پروپاگاندا (به انگلیسی: **Propaganda**) ارتباطی است که عمدتاً برای تأثیرگذاری یا متقاعد کردن مخاطب برای پیشبرد یک برنامه استفاده می‌شود، که ممکن است عینی نباشد و به طور انتخابی حقایقی را برای تشویق یک ترکیب یا ادراک خاص ارائه دهد، یا گفتاری باشد تا برای ایجاد یک واکنش احساسی به جای پاسخ منطقی به اطلاعاتی که ارائه می‌شود استفاده شود. گونه‌ای ارتباط است که در آن، اطلاعات هماهنگ و جهت دار برای بسیج افکار عمومی از طریق تبلیغات، پخش و فرستاده می‌شود. تبلیغات سیاسی یا جوسازی شکلی از ارتباط است که هدف آن تأثیر بر گرایش یک جمع یا جماعت همسو با موضع و دلیل دل خواه تبلیغ گر سیاسی است. جوسازی برخلاف تهیه اطلاعات غیر جانبدارانه، در اصلی ترین معنای خود، دادن اطلاعات با هدف تأثیر جهت دار بر مخاطب است. در این راستا، اغلب اوقات، واقعیت‌ها به طور گزینشی بیان و بازنمایی می‌شوند (حتی اگر نادرستی آن بر گوینده روشن و آشکار باشد) تا از سوی مخاطب، واکنش و رفتاری احساسی و نه آگاهانه، سر بزند. نتیجه‌ی این امر، تغییر گرایش دل خواه به سوی هدفی است که برای مخاطب هدف گیری شده و به منظور پیشبرد یک برنامه‌ی سیاسی، در نظر گرفته شده است. افزون بر این، جوسازی می‌تواند در شکل یک نبرد و جنگ افروزی سیاسی نیز تلقی شود. تبلیغات سیاسی یا جوسازی شکلی از ارتباط است که با ترغیب یا اقناع متفاوت است؛ زیرا هدفش این است که به پاسخی دست یابد که قصد تبلیغ گر را تداوم بخشد. اقناع یا ترغیب به مثابه یک فعال کننده‌ی دوسویه عمل می‌کند و هدفش آن است که به نیازهای ترغیب کننده و ترغیب شونده پاسخ دهد. یک مدل تبلیغ (جوسازی) نشان گر آن است که چگونه می‌توان عناصر اطلاع رسانی و ارتباط اقناعی را در تبلیغات با یکدیگر تلفیق کرد. تبلیغات سیاسی ممکن است افکار عمومی و رفتار افراد را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را دگرگون سازد. در قرن بیستم، اصطلاح انگلیسی پروپاگاندا (جوسازی) اغلب با رویکردی کنترل کننده همراه

بود، اما از نظر تاریخی، پروپاگاندا (جوسازی) یک اصطلاح توصیفی خنثی از هر مطلبی است که عقاید یا ایدئولوژی‌های خاصی را ترویج می‌کند. جوسازی ریشه در تاریخ کلیسای کاتولیک دارد. در سال ۱۶۲۲، پاپ اوربان هشتم برای ترویج مسیحیت، در مناطق غیرمسیحی جهان گردهمایی تبلیغاتی به راه انداخت. در آن زمان کاتولیک‌ها این کار را نوعی از آموزش برمی‌شمردند. در جنگ جهانی اول هم طرف‌های جنگ از این روش برای تأثیرگذاری مثبت بر روی نیروهای خود استفاده می‌کردند. جفری کی هدن، جامعه شناس، استدلال کرده است که اعضای جنبش ضد فرقه و جنبش ضد فرقه مسیحی، رهبران را به استفاده گسترده از تبلیغات برای جذب پیروان و نگه داشتن آن‌ها متهم می‌کنند. هدن استدلال کرد که اعضای سابق فرقه‌ها و جنبش ضد فرقه متعهد به بد جلوه دادن این جنبش‌ها هستند.

امروز در تب و تاب فضای انتخاباتی حاکم بر کشور مجددا بیم آن می‌رود که عده‌ای از کاندیداها با توسل به پروپاگاندا و اصطلاحا راه انداختن بازی‌ها و هجمه‌های رسانه‌ای علیه یکدیگر، فضا را به گونه‌ای غبارآلود کنند که مردم در انتخاب فرد صالح‌تر دچار مغالطه شوند. لذا جزوه حاضر با هدف طرح این مسئله و فراهم آوردن یک سیستم محاسباتی برای مواجهه با این مغالطات برای مخاطب در روزهای پیش رو تا زمان انتخابات تهیه شده است.



تقوا مانع امیرالمومنین (ع) از مکر و فریب در سیاست

دوران حکومت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام هرچند کوتاه، در بردارنده نکات مهم و بنیادینی درمورد شیوه و اسلوب اداره حکومت و جامعه اسلامی از سوی والیان و زمامداران جامعه اسلامی است. در بحث سیاست و شیوه حکومتداری مدل اجرایی از سوی حضرت تا زمان شهادت ایشان مهمترین مدل قابل استناد برای اداره امور جامعه اسلامی است. لذا در این بخش ابتدا به بررسی یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب درمورد سلوک سیاسی حضرت می‌پردازیم. هدف از طرح این بخش دو مورد است: اول طرح سلوک سیاسی حضرت بعنوان الگوی صحیح سیاستمدار اسلامی و دوم پاسخ به یک مغالطه که در ادامه مسیر و در بحث سبک سیاست ورزی غلط برخی نامزدهای انتخابات راهگشا خواهد بود و حضرت در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه به آن می‌پردازند: «واللّه ما معاویةُ بأدهی منّی»

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۸/۶/۲۰ در بحث سلوک سیاسی امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام نکات مهمی را مطرح می‌کنند: «بحثی که در اطراف آن چند نکته‌ای عرض خواهم کرد، بحث سلوک سیاسی امیرالمؤمنین است. این نکته را باید در نظر داشت و توجه کرد که **سلوک سیاسی امیرالمؤمنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛** سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. **سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که**

در عرصه‌ی زندگی آن‌ها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است.

در این سیاست‌ورزی، امیرالمؤمنین یکی از خصوصیاتش این است: از مکر و فریب دور است. در یک جمله‌ای از حضرت نقل شده که: «لو لا التّقی لکنت ادهی العرب»؛ اگر تقوا دست و پای مرا نمی‌بست، از همه‌ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حیله را بهتر بلد بودم. یک جای دیگر در مقام مقایسه‌ی معاویه با خودش - چون معاویه به دهاء و مکر در حکومت معروف بود - به حسب آنچه که نقل شده، فرمود: «واللهِ ما معاویةُ بأدهی منّی»؛ معاویه از من زرنگتر نیست. منتها علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمؤمنین این است. تقوا که نبود، دست و زبان انسان باز است، می‌تواند همه چیز بگوید، خلاف واقع می‌تواند بگوید، تهمت می‌تواند بزند، دروغ به مردم می‌تواند بگوید، نقض تعهدات می‌تواند بکند، دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم می‌تواند پیدا کند. وقتی تقوا نبود، اینجوری است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم؛ این است که در روش امیرالمؤمنین، مکاری و حیله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است. یکی از خطرهای جدائی دین از سیاست که عده‌ای آن را همیشه در دنیای اسلام ترویج می‌کردند - در کشور ما هم بود، امروز هم متأسفانه بعضی نغمه‌هائی را در جدائی دین از سیاست بلند می‌کنند - همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق جدا خواهد شد، از معنویت جدا خواهد شد. در نظام‌های سکولار و بی‌رابطه‌ی با دین، اخلاق در اغلب نزدیک به همه‌ی موارد، از بین رفته است. حالا یک وقت استثنائاً در جائی یک عمل اخلاقی دیده بشود، این ممکن است؛ استثناء است. **وقتی دین از سیاست جدا شد، سیاست می‌شود غیر اخلاقی، مبنی بر همه‌ی محاسبات مادی و نفع‌طلبانه.** سلوک سیاسی امیرالمؤمنین بر پایه‌ی معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست.

یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین در ممشای سیاسی‌اش این بود که با دشمنان خود و مخالفان خود با استدلال حرف می‌زد و استدلال می‌کرد. در نامه‌هائی که حتّی به معاویه نوشته است - با اینکه دشمنی بین معاویه و امیرالمؤمنین شدید بود، در عین حال او نامه می‌نوشت، اهانت می‌کرد، حرف‌های خلاف می‌گفت - استدلال می‌کرد بر اینکه روش تو غلط است. با طلحه و زبیر که آمدند با امیرالمؤمنین بیعت کردند - اینها به عنوانی که می‌خواهیم عمره برویم، از مدینه خارج شدند، رفتند به طرف مکه. امیرالمؤمنین مراقب بود، از اول هم گفت که این‌ها قصدشان عمره نیست. رفتند و کارهائی کردند؛ حالا تفاصیلش زیاد است - حضرت اینجور می‌فرماید: «لقد نقمتما یسیرا و ارجأتما کثیرا»؛ شما یک چیز کوچک را وسیله و مایه‌ی اختلاف قرار دادید، این همه نقاط مثبت را ندیده گرفتید؛ دم از دشمنی میزنید، دم از مخالفت میزنید. با این‌ها متواضعانه امیرالمؤمنین حرف میزند، توضیح می‌دهد؛ میگوید: من دنبال دشمن نمیگردم. این مدارا را دارد. اما آن وقتی که این مدارا اثر نکند، آن وقت جای قاطعیت علوی است؛ آن جائی است که امیرالمؤمنین نشان میدهد که با کسانی مثل خوارج،

آنجور رفتار میکند که خودش فرمود: «انا فقأت عین الفتنۀ»؛ چشم فتنه را من در آوردم. و کسی دیگر غیر از علی نمیتوانست - به گفتهی خود آن بزرگوار در نهجالبلاغه - این کار را بکند. یکی از خصوصیات سیاستورزی امیرالمؤمنین این بود که برای پیروز شدن، به ظلم و به دروغ و به کارهای ظالمانه متوسل نمیشد. یک عدهای در اوائل حکومت امیرالمؤمنین آمدند که آقا شما این افرادی که تو جامعه هستند - این متنفذین - یک مقداری ملاحظهی اینها را بکن و سهم بیشتری از بیتالمال به اینها بده، مخالفت اینها را موجب نشو و دلهایشان را جلب کن! فرمود: «أ تأمرونّی ان أطلب النّصر بالجور»؛ شما میخواهید من پیروزی را به وسیلهی ظلمٍ برای خودم دست و پا کنم؟ «والله لا اطور به ما سمر سمیر و ما أمّ نجم فی السّماء نجما»؛ امکان ندارد امیرالمؤمنین با ظلم، با راه غلط و خطا، با شیوههای غیر اسلامی دوست برای خودش درست کند. یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین در سلوک سیاسیاش این بود که از مردم جداً - نه به صورت تعارف - درخواست میکند که با او متملقانه حرف نزنند، چاپلوسی نکنند، تصنع در برخورد با او به خرج ندهند. در وسط یکی از خطبههای امیرالمؤمنین - که یکی از آن خطبههای بلیغ و عجیب امیرالمؤمنین است - یک نفری بلند شد، شروع کرد تعریف و تمجید از امیرالمؤمنین؛ از سخن و از مطالب آن حضرت بنا کرد تمجید کردن و ثنا کردن بر امیرالمؤمنین. حرفهای او که تمام شد، حضرت رو کرد به او، تقریباً به همان اندازهای که صحبت کرده بود - آنچه که انسان توی نهجالبلاغه و در آن مقداری که سید رضی انتخاب کرده، میبیند - در نصیحت این مرد صحبت کرد که با من اینجوری حرف نزنید. از جمله همین عبارت معروف است: «فلا تکلّمونی بما تکلّم به الجبابرۀ»؛ آنجوری که با پادشاهان، با جباران حرف میزنند، با من حرف نزنید. «و لاتتحفّظوا منّی بما یتحفّظ به عند اهل البادرۀ»؛ آنجوری که ملاحظه میکنند که نبادا بدش بیاید، نبادا موجبِ ناخرسندی یا ناخوشایندی فلان جبار بشود - حرفهائی را نمیزنند، ملاحظاتی را میکنند - جلوی من این ملاحظات را نکنید. «و لاتخالطونی بالمصانعۀ و لا تظنّوا بی استثقالا فی حقّ قیل لی»؛ خیال نکنید که اگر حرف حقی را به من گفتید، علی از حرف حق شما دلگیر خواهد شد. برای او سنگین خواهد آمد؛ اینجور نیست. این هم یکی از خصوصیات سیاست امیرالمؤمنین است. یکی از خصوصیات دیگر این بزرگوار هم این است که رفتارش با مخالفان و معارضان یک جور نیست؛ همه را به یک چوب نمیراند. امیرالمؤمنین فرق میگذارد بین افرادی و جریانهائی، با افرادی و جریانهای دیگری. دربارهی خوارج - البته در مقابل انحراف و انحطاط و توسل به ظواهر

دینی – بدون اعتقاد، علی ایستاد؛ هم در مقابل معاویه ایستاد – آن وقتی که قرآن‌ها را سر نیزه کردند، امیرالمؤمنین فرمود: والله این مکر است، این خدعه است، این فریب است؛ این‌ها به قرآن اعتقادی ندارند – هم در آن وقتی که خوارج با آن ظواهر دینی، با آن صوت حزین قرآن‌خوانی در مقابل حضرت قرار گرفتند، حضرت ایستاد. یعنی آن جائی که کسانی بخواهند با ظواهر دینی کار بکنند و پیش بروند، امیرالمؤمنین می‌ایستاد؛ حالا چه معاویه بود، چه خوارج بود؛ تفاوتی نمی‌کرد. اما در عین حال یک جور با این‌ها برخورد نمی‌کرد. ایستادگی بود، اما نصیحت امیرالمؤمنین و رفتار خود او همیشه این بود. لذا فرمود «لاتقاتلوا الخوارج بعدی»؛ بعد از من با خوارج نجنگید؛ جنگ با خوارج نکنید؛ «فلیس من طلب الحقّ فاخطأه کمن طلب الباطل فأدرکه»؛ آن کسی که دنبال حق هست، منتها اشتباه میکند – دنبال حق است؛ از روی جهالت، از روی قشریگری خطا میکند، اشتباه میکند – او مثل کسی نیست که دنبال باطل میرود و به باطل میرسد؛ این‌ها یک جور نیستند. این سلوک سیاسی امیرالمؤمنین است. وقتی نگاه میکنیم، میبینیم که این سلوک سیاسی عیناً با رفتار معنوی آن بزرگوار، همخوان و قابل تطبیق است. و امیرالمؤمنین در همه جا، همان علی بن ابی‌طالبِ برجسته‌ی ممتازی است که دنیا نظیر او را ندیده است...»

وظیفه ما چیست؟

باتوجه به رسالت جنبش دانشجویی ما در شرایط فعلی و در مواجهه با جریان پروپاگاندا در انتخابات، دو وظیفه مهم برای خود متصور هستیم: ابتدا تلاش برای فهم شرایط به نحوی که خود تحت تاثیر این جو رسانه‌ای قرار نگیریم و بعبارتی در سیستم محاسباتی خود دچار خطا نشویم. دوم تلاش برای آگاهی بخشی به جامعه از طریق کنشگری مجازی یا حضوری در بستر انتخابات. نظر به اهمیت موضوع، در جزوه حاضر برخلاف روند سایر مطالب حوزه سواد رسانه که به گستردگی در دسترس قرار دارد، به طرح و بررسی تکنیک‌های مورد استفاده در پروپاگاندا نمی‌پردازیم بلکه با رویکردی متفاوت به طرح دوگانه‌هایی خواهیم پرداخت که قشر زیادی از مردم را در انتخابات دهه ۹۰ دچار مغالطه و خطای راهبردی در میدان انتخاب اصلح کرد. مغالطاتی که از قضا برخی تا امروز هم ادامه دارند: **دوگانگی‌های کاذب.**

دوگانگی‌های کاذب



داستان دوگانه‌های کاذب انتخاباتی امری است که تقریبا مبتلا به تمامی انتخابات‌های سال‌های اخیر بوده است اما از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ به اوج خود رسید. مسئله چه بود؟ یکی از بد اخلاقی‌های صورت گرفته در فضای انتخابات و بالاخص مناظرات تلویزیونی این بود که برخی نامزدها بجای طرح گفتمان و برنامه خود در انتخابات، برای جلب نظر مردم به خود، ارائه چهره دلسوز از خود و تخریب چهره رقیب در یک اقدام مهندسی شده اقدام به طرح ادعاهای بدون پشتوانه و تهمت به رقبای خود کردند. تحلیل علت این اقدام بسیار ساده است؛ سکولارها برای رسیدن به قدرت از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند. طبق سیستم اعتقادی آن‌ها، هدف وسیله را توجیه می‌کند. بعبارتی در چارچوب منظومه فکری این گروه، افراد خودشان را به هیچ قید و قاعده اخلاقی پایبند نمی‌دانند. در چنین فضایی دوگانه‌هایی برای تخریب چهره یکسری از نامزدها و اعلام برائت و تطهیر گروهی دیگر مطرح شد. قاعدتا در فضایی منطقی و عقلانی هنگامی که ادعایی بیان می‌شود، عقل سلیم حکم می‌کند که مخاطب به بررسی صحت آن بپردازد اما متاسفانه شاهد آن هستیم که فضای ذهنی قشری از جامعه به آفت زود باوری گرفتار شده است. البته که در چنین فضایی صرف بیان دوگانه‌ها باعث تشتت اذهان عمومی نمی‌شود بلکه در پس آن تکنیک‌هایی چون ترساندن مردم، مظلوم نمایی، اتهام زدن، استفاده از هیجانات عوام، استفاده از تعصبات قومی و قبیله‌ای، مصادره به مطلوب کردن و ... می‌تواند کاسبان این دوگانه پردازی را به هدف خود برساند

دوگانه‌های فرهنگی و اجتماعی

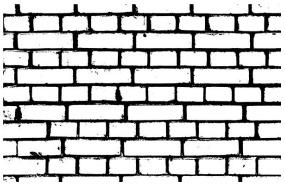
حجم عمده دوگانه‌های مطرح شده ناظر به فضای فرهنگی و اجتماعی کشور و مسائل مربوط به آن‌هاست. فرهنگ دستاویز بسیار مناسبی برای موج سواری بر افکار و عواطف مردمی است. از یک طرف تربیت فرهنگ محور و فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی و از طرف دیگر اوضاع نابسامان مدیریت فرهنگی کشور و در رأس آن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ را به پیراهن عثمانی بدل ساخته که هر از چند گاهی عَلَم می‌شود. یک مثال بارز آن فضای سینما و موسیقی کشور است. متاسفانه فضای رها شده‌ی این دو عرصه هنری فضای مناسبی را برای طرح برخی دوگانه‌ها مطرح کرده است. از طرف دیگر گستردگی مسائل و معضلات اجتماعی و نبود اهتمام کافی برای حل آن‌ها، منجر به وقوع شکاف‌های اجتماعی و بسترسازی برای طرح شبهات گوناگون در

حوزه اجتماع و بالاخص مباحث آزادی اجتماعی شده است. در ادامه به طرح و بررسی برخی از مهمترین دوگانه‌های ادعایی در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های اخیر می‌پردازیم:

دوگانه‌ی تندرو و متعادل

طراحان این دوگانه از تمایل قشری از جامعه به گروهی از هنرمندان معروف که در اصطلاح سلبریتی نامیده می‌شوند، برای جذب آراء مردمی استفاده می‌کنند. مثال عینی و بارز این سبک از تبلیغ در سال ۱۳۸۸ در ستاد انتخاباتی موسوی و در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ در ستاد انتخاباتی روحانی به فراوانی دیده شد و البته تا حدودی هم موفق واقع بود. البته غالب این سلبیریتی‌ها هم یا خود قربانی این پروپاگاندا یا اصطلاحا عروسک خیمه شب بازی جریان مذکور بودند و یا در پشت پرده حمایت خود به طرق گوناگونی همچون مالی یا لابی گری حمایت می‌شدند که البته در این مجال محل بحث ما نیست. اما نکته مهم اینست که در پشت حمایت سلبریتی‌ها از جریان اصلاحات یک داستان تاریخی وجود دارد. داستانی که به اولین روزهای انقلاب باز می‌گردد؛ فضای فرهنگ و هنر در دوران پهلوی فضای مطلوبی نبود. فضایی آلوده به ابتذال و فسادی که آورده فرهنگ و هنر غربی به عرصه هنر ایران بود. در چنین بستری شاهد مبتذل ترین نمودهای به اصطلاح هنر مدرن همچون جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، جشن هنر شیراز، فیلم فارسی و موزیک‌ها هستیم. بدیهی است که یکی از اصلاحات مدنظر مردم پس از انقلاب، اصلاح وضعیت فرهنگ و هنر کشور بود که بستر جامعه و فرهنگ را به مخاطره انداخته بود. علیرغم ضرورت دقت نظر و ظرافت در اصلاحات حوزه هنر و فرهنگ، افرادی زمامدار آن شدند که برخلاف نظرات امام بصورت افراطی دست به اصلاح زدند. از آن جمله اینکه دولت میرحسین موسوی و باند دفتر او از ادامه کار هنرپیشه‌های قبل از انقلاب ممانعت می‌کنند. امام خمینی (ره) در این باره گفته بودند آن‌هایی که قبلا بودند اجازه کار کردن دارند اما گویا منافع این گروه تندرو برخلاف صحبت امام بود. و در سال ۶۱ فیلم برزخی‌ها توقیف شد. اظهار نظرات اعضای شاخص جریان اصلاح طلب و مقایسه آن با نظرات فعلی آن‌ها خصوصا در روزهای منتهی به انتخابات بسیار جالب توجه است. سید محمد خاتمی کسی که با شعار آزادی‌های اجتماعی در سال ۷۶ رأی آورد، در دهه ۶۰ اظهار نظری دارد به این مضمون که هنرمندان زمان شاه حتی اگر نماز هم بخوانند، نمازشان قبول نیست. حسن روحانی کسی که این روزها معتقد است در قرآن کریم حکم حجاب ناظر به زنان پیامبران گفته شده و ما اجازه نداریم حجاب را بصورت قانون اجتماعی پیگیری کنیم، همان کسی که در سخنرانی ستاد انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۶ از کسانی برائت می‌جوید که در طول ۳۸ سال گذشته فقط زندان و اعدام بلد بودند و خود را از این گروه

مبـرا می‌داند، در دهه ۶۰ در یکی از جلسـات مجلس پیشـنهاد می‌دهد توطئه گران را باید در نمـاز جمعـه بـه دار آویخت و اعـدام کرد! کسـی کـه در دوره ریاسـت جمهور خـود در جلسات دیپلماتیک حتی در محدوده سفارت کشـور اهمیتـی بـه رعایـت کـد لبـاس دیپلمات‌هـای زن خارجی نمی‌دهد در اظهار نظـری دیگـر در مصاحبـه‌ای بعنـوان دبیـر شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۳ بیان کـرد در جلسـه‌ای از حضـور خانم‌هایـی که روسـری پوشـیده بودنـد و حجاب مناسـبی نداشـتند جلوگیری کرده است. همین طیف افـراد با عبـور از دهه ۶۰ و ورود بـه دهه ۷۰، سـردمدار جریانـی می‌شـوند کـه فضـای فرهنگی جامعه را به بهانـه آزادی‌های مدنی و اجتماعـی رهـا کـرده و باعـث شـکاف و مشـکلات عدیـده فرهنگـی در جامعـه می‌شـود و مضاف بـر آن از جریان انقلابی و به اصطـلاح حـزب اللهی‌هـای جامعه یک چهـره تندخـو، خشـن و تنـدرو بـه تصویـر می‌کشـند در حالـی کـه بـه واقـع تندرویان دهـه ۶۰ کـه داسـتان پونز و کـروات قیچی کردنشـان هنوز فراموش نشـده، پشت نقاب معتدلین دهه ۷۰ و ۸۰ پنهان شدند.



دوگانه‌ی
دیوارکشی و آزادی مدنی

یکـی از دوگانه‌هـای مطـرح شـده دیگـر، دوگانه دیوارکش اسـت. داسـتان این دوگانه بـه آنجا برمی‌گردد که در دهـه ۶۰ عده‌ای از همـان تندرویـان سـابق و اصـلاح طلبـان فعلـی، دسـتور دادنـد بـرای جلوگیـری از اختـلاط دختـران و پسـران، در کلاس‌های دانشـگاه بین دختران و پسران دیوار بکشند. داسـتان بـه آنجـا ختم شـد کـه وقتـی امام خمینـی (ره) و مقام معظم رهبـری از جریان مطلع شـدند، دسـتور تخریب دیوارهـا و لغو ایـن مسـئله را دادند. این مطلـب را حضرت آقـا در طـی یکـی از خطبه‌های نمـاز جمعه تهـران در سـال ۱۳۶۳ مطـرح کردنـد. امـا سـال ۱۳۹۶ یعنی ۳۳ سال بعد، دیوارکش‌ها از ایـن تکنیک بـرای تخریب چهره شـهید رئیسـی در انتخابـات و بعبارتـی ارعاب مردم استفاده کردند. کار به جایی رسید که عده‌ای بـاور کـرده بودند اگر رئیسـی رئیس جمهور شـود، واقعا در پیاده روها دیوار خواهد کشـید و وقتـی از علـت رأی دادن آن‌هـا به روحانی پرسـیده می‌شـد، بـه ایـن دوگانـه متوسـل می‌شدند؛ برای نه به دیوارکشی!

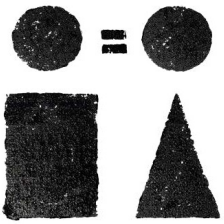
دوگانه‌ی
شهید و جلاد

بررسی این دوگانه نیازمند بررسی جامعی در دو حوزه است: اول مسئولیت شهید آیت الله رئیسی در سال ۶۷ و اعدام‌های منافقین و دوم عقبه ایدئولوژیک جریان اصلاحات که چنین دوگانه‌ای را طراحی می‌کند. در این دوگانه دو جایگاه قابل بررسی است، اول طرح آیت الله رئیسی بعنوان جلّاد بعلت حکم اعدام منافقین در سال ۶۷. از جنبه بررسی مسئولیت شهید رئیسی در سال ۶۷ لازم به ذکر است که ایشان در آن زمان معاون دادستان بودند در حالی که طبق حکم امام، هیئت سه نفره‌ای که مسئولیت بررسی احکام دادگاه منافقین را برعهده داشتند شامل دادستان، قاضی شرع و نماینده اطلاعات بودند و عملا نه نام و نه سمت شهید رئیسی در این حکم قید نشده است. از جنبه بررسی منافقین، باید در نظر داشت با چه جریانی مواجه هستیم، این گروه نه یک گروه مردم عادی که به واقع یک از جنایتکار ترین گروهک‌های تروریستی قرن اخیر است. که در یک نگاه اجمالی فقط ۱۷ هزار نفر از مردم عادی را ترور کردند. این را بگذارید کنار ترور مسئولان مملکت. ورای این حقیقت که شهید رئیسی عملا در جایگاه بررسی احکام محاربه صادره برای اعضای این گروهک در سال ۶۷ نقش نداشته است، تایید احکام محاربه و اعدام اعضای این گروهک جزء خدمات بزرگی است که در حق این مملکت شده است. بعنوان یک نمونه کوچک یادآوری این نکته لازم است که تعداد زیادی از اعضای این گروهک که در عملیات مرصاد و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به هلاکت رسیدند، کسانی بودند که در اواخر جنگ مشمول حکم عفو شده بودند و از زندان‌ها آزاد شده بودند. شاید یادآوری جنایاتی که بعد از حمله به بیمارستان اسلام آباد در سال۶۷ مرتکب شدند، مثال خوبی برای شناخت منافقین باشد

اما ورای تبیین این دوگانه، اندیشیدن به یک مسئله ضروریست؟ عقبه ایدئولوژیک اصلاحات چه کسانی هستند و چرا با منافقین مخرج مشترک دارند؟ این هم صدایی با منافقین برای گروهی که خود را انقلابیون درجه یک و سرمایه نظام می‌پندارند، می‌تواند معانی زیادی داشته باشد



دوگانه‌ی
زن و ضد زن



و زنـان؛ گوشـت قربانی مناظـرات و تبلیغات انتخاباتـی. داسـتان مسـائل زنـان همیشـه دسـتاویز خوبی بـرای جلب آراء زنـان در زمان انتخابات اسـت. در تبیین دوگانه زن و ضد زن توجـه بـه یـک مـورد ضروریسـت؛ عملکرد داعیـه داران ایـن دوگانه در تمامی سـال‌های تصـدی قـوه مجریـه بـرای زنـان چـه بـوده اسـت؟ چـه کسـانی محـور امـور زنـان ایـن جریـان بودند؟ قطعا پرونـده اقدامات معصومه ابتـکار و شـهیندخت مـولاوردی آنقـدر جای بررسـی و ابهـام باقی گذاشـته که لازم باشـد دیـدگاه جبهـه اصلاحـات بـه امـور زنـان به دقت بازخوانی شـود. در یک فقـره مولاوردی در ۲۷ اردیبهشـت ۱۳۹۹ بـه مناسـبت روز جهانی خانواده در کانال تلگرامی خود پسـتی منتشـر کرد که نمایش دو زن و یک فرزند یا دو مـرد و یک فرزند به عنوان خانـواده در آن، تصویـری از ازدواج همجنس‌گرایان را نشـان می‌داد. این مسـئله موجب شـد فعـالان حوزه خانواده و زنان به انتشـار عکسـی که منجر به ترویـج همجنس‌گرایـی و عادی جلـوه دادن خانـواده همجنس‌گـرا شـده، واکنش نشـان دهنـد. در ۲۴ تیرمـاه ۱۳۹۹ اعـلام شـد کـه شـهیندخت مـولاوردی معاون سـابق رئیس جمهـور در امـور زنـان و خانـواده با شـکایت دسـتگاه امنیتی و انتظامی کشـور با ۳ عنوان اتهامـی در دادسـرای فرهنگ و رسـانه مجرم شـناخته شـد و کیفرخواسـت نامبرده صادر و جهـت رسـیدگی بـه دادگاه ارسـال شـد. مـولاوردی بـا اتهامـات فعالیـت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسـلامی (مـاده ۵۰۰)، تشـویق بـه فسـاد و فحشـا و فراهـم نمودن موجبـات آن (مـاده ۶۳۹) و در اختیار قرار دادن اطلاعـات و اسـناد طبقه بندی شـده با هدف بـر هـم زدن امنیت کشـور (مـاده ۵۰۵ قانون مجـازات اسـلامی) مجـرم شـناخته شـد. مجـازات مرتکبین جرائم منـدرج در مواد ۵۰۵ و ۶۳۹ قانـون مجـازات اسـلامی تا ۱۰ سـال حبـس در نظـر گرفتـه شـده اسـت. در فقره عملکـرد و کارنامـه معصومـه ابتـکار، معاون رئیس‌جمهـور و رئیـس سـازمان حفاظـت محیـط زیسـت دولـت یازدهـم، معـاون رئیس‌جمهـور در امـور زنـان و خانـواده دولت دوازدهـم، هـم مـوارد جالـب توجه بسـیاری همچون ماجرای جاسوسـان محیط زیسـتی در زمـان تصـدی وی وجـود دارد. تـا آنجا که برخـی از خبرگزاری‌هـا از سـازمان محیـط زیسـت بعنوان بهشت جاسوسـان یاد کردند. در کنار آن می‌توان به داسـتان شرکت واردات و صـادرات خانوادگـی ابتـکار و ویـژه خواری صـورت گرفتـه توسـط آن‌هـا و مسـئله بنزین‌هـای بـی کیفیت وارداتی همسـر خانم معـاون اشـاره کـرد. نکتـه جالـب ایـن روزها حضـور ایـن دو چهـره بـد سـابقه در کنـار پزشـکیان در جلسـه دیدار با بانوان ستاد خود بـود. مطلبـی کـه بنظـر می‌رسـد نشـان از

رضایت اصلاحات از کارنامه این دو در حوزه زنان است. اظهارات فاطمه راکعی، معاون بانوان ستاد پزشکیان هم جالب توجه است؛ در مصاحبه‌ای به تاریخ ۲۴ خرداد ۱۴۰۳، اظهارات جالبی بیان می‌کند: « یکی از رکن‌های اصلی حرکت اصلاحی مردم ایران در دوم خرداد ۷۶، حضور زنان و جوانان در کنار سایر اقشار بود. در شرایطی که در مانیفست و گفتمان جناح راست به عنوان جناح حاکم آن دوران، هیچ نقش و جایگاه قابل توجهی برای زنان و جوانان در نظر گرفته نشده بود و این طیف زنان را تنها در پوزیشن زن خانه‌دار تصور می‌کردند، سیدمحمد خاتمی و لیدرهای اصلی حرکت اصلاحات، زنان و دختران را به عنوان نیمی از ظرفیت‌های جامعه بر صدر نشاندند و اعلام کردند، حرکت اصلاحی و توسعه کشور بدون حضور و مشارکت زنان امکان‌پذیر نخواهد بود. پس از پایان دولت اصلاحات، اما هرگز فرصتی برای تداوم گفتمان اصلاحات در ساختار اجرایی کشور میسر نشد تا امروز که پس از تایید صلاحیت، مسعود پزشکیان یک بار دیگر فرصتی برای تداوم مسیر اصلاحات مبتنی بر مقتضیات روز و ضرورت‌های زمان فراهم شده است. بسیار خرسندم که پس از تایید صلاحیت آقای پزشکیان شور و نشاط و امید وافری که در فضای عمومی جامعه به خصوص میان زنان، دختران و جوانان سرزمین فراهم شده است...» دو نکته جالب توجه در صحبت‌های راکعی اشاره به دولت ششم بعنوان یک دولت راست است. درحالیکه رئیس جمهور وقت، اکبر هاشمی رفسنجانی، از مهمترین اعضای جبهه اصلاحات است و محمد خاتمی که راکعی از او بعنوان لیدر اصلاحات زنان یاد می‌کند، در دولت پنجم تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد را برعهده دارد. پس قاعدتا اگر راکعی معتقد است تا پیش از دولت هفتم، هیچ نقش و جایگاهی برای زنان در نظر گرفته نشده، این امر خروجی مانیفست و عملکرد خود آقایان اصلاح طلب است. در بخش دیگر این مصاحبه، راکعی معتقد است پس از پایان دولت اصلاحات، یعنی دور دوم دولت خاتمی، گفتمان اصلاحات هرگز فرصتی برای تداوم گفتمان خود در حوزه زنان در ساختار اجرایی کشور نداشته است. در پاسخ به این ادعای عجیب لازم به یادآوری است که روحانی، رئیس دولت یازدهم و دوازدهم از جبهه اصلاحات بود و این ضعف حافظه مصلحطی اصلاح طلبان هم جالب توجه است!

از این جهت که مسائل حوزه زنان نیازمند بررسی تخصصی است، صرفا به بیان چند نکته در باب این دوگانه اکتفا می‌کنیم. یک نکته بنیادین اینکه آیا جنس مسائل و دغدغه‌های حوزه زنان جریان اصلاحات از جنس دغدغه‌های درجه اول و اصیل حوزه زن و خانواده است که هدف آن تعالی و پیشرفت زن و فراهم آوردن و تسهیل بستر فعالیت زنان است یا از جنس دغدغه‌های پوچ و توخالی و در عین حال پر سر و صدایی چون حضور زنان در ورزشگاه، موتور سواری و دوچرخه سواری زنان و... است؟ نکته دوم اینکه عملکرد دولت‌های این جبهه در حوزه زنان تا چه حد موثر واقع شده و تا چه اندازه با وعده‌های انتخاباتی آن‌ها مطابقت داشته؟ در یازدهمین دوره انتخابات ریاست

جمهوری، عارف و روحانی، دو کاندید جبهه اصلاحات، روی گزاره بیمه زنان خانه دار و بیمه بیکاری زنان بسیار مانور دادند اما عملا تا پایان دولت دوازدهم هیچ کدام از این دو وعده محقق نشد. نکته سوم در حوزه گفتمان و مانیفست اصلاحات در حوزه زنان است. اصلاح طلبان به کرات در گفتگوها و مصاحبات خود در حوزه زنان روی گزاره « تبعیض جنسی» و « برابری جنسیتی» تاکید می‌کنند. این نکته از این جنبه قابل توجه است که یکی از اصول پایه فمنیسم بحث برابری جنسی است؛ ایده بیماری که مولود نامبارک آن امروز در فضای زن و خانواده در جوامع غربی به عینه دیده می‌شود. حال آنکه در جامعه اسلامی و طبق تعالیم دین مبین اسلام، زن و مرد فطرتا تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و برمبنای همین تفاوت‌های فطری، نقش و وظایف گوناگونی در خانواده و اجتماع می‌پذیرند. ذکر این مقدمه از این جهت حائز اهمیت است که مخرج مشترک اصلاحات با اصول فمنیسم نشان از آن است که نباید از مجریان آن انتظار تحقق الگوی سوم زن یعنی زن مسلمان نه مبتنی بر الگوی زن شرقی و نه برمبنای الگوی زن غربی را داشت.

« زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، بمثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۵/۵/۱۴)



دوگانه‌ی اغتشاش و اعتراض

این دوگانه در مناظرات سال ۱۴۰۰ مطرح شد. داستان از این قرار بود که در مناظرات آن سال از داستان اغتشاشات سال ۹۸ بعنوان دستاویزی برای حمله به رئیسی و محکوم کردن او استفاده شد. قضیه هم واضح بود، همتی بحث را به سرعت به سمت بازداشت شدگان اغتشاش ۹۸ و قوه قضاییه برد تا رئیسی را مقابل مردم و همان به اصطلاح جلّاد به تصویر بکشد. در پاسخ رئیسی اما از آزاد شدن بازداشت

شـدگان آبـان ۹۸ سـخن گفت. در بـاب آبان ۹۸ و تحلیل اتفاقات آن، سـخن بسـیار است کـه در این بحث نمی‌گنجـد. اما یک تحلیل سـاده از وقایـع آبـان ۹۸ به روشـنی حاکی از نقش دولت وقت در روشـن کـردن آتش این اغتشـاش بواسـطه افزایش ناگهانی و یکباره قیمـت بنزیـن اسـت. بعبارتـی علـت اولیه و بنیادیـن این قضیـه دولـت دوازدهم بـود. در فقره نقش همتی، رئیس وقت بانک مرکزی در ایـن قضیه، می‌توان به پیشـنهاد وی برای افزایـش قیمت بنزیـن به دولت بـرای تامین کسـری بودجـه دولـت اشـاره کـرد. بنظـر می‌رسـد در مناظـرات امسـال هم تنـور این دوگانه داغ باشـد. اولین اسـتارت این دوگانه را روزنامه اصلاح طلب شـرق بسـیار هنرمندانه و بـا رعایـت تکنیک‌هـای مدیریـت افـکار عمومـی زد؛ یـک پوسـتر درمـورد دیـدگاه کاندیداهـای ریاسـت جمهـوری درمـورد تجمعـات مردمـی کـه بـر طبـق آن همـه کاندیداهـا تجمعـات مردمـی را اغتشـاش می‌داننـد و تنها پزشـکیان، کاندیـدای جبهه اصلاحـات یـک تنـه در مقابـل ایـن جریان دیکتاتـور! تجمعـات مردمـی را اعتـراض می‌داند!

هرچنـد ایـن پوسـتر ایـن روزها دسـت مایه مطالـب طنز برخـی کاربـران مجازی شـده اسـت، امـا چند نکته مهـم در بـاب آن وجود دارد: اول اینکه عملیات روانی ساده و خلاقانه اصلاحـات کـه با اقدام شـرق شـروع شـده، نشـان از طـرح و مانـور روی ایـن دوگانـه در زمـان مناظـرات دارد. دوم طـرح اغتشاشـات سـال ۱۴۰۱ بعنـوان اعتراض و نه اغتشـاش حـال آنکـه وقایـع و اقدامـات جنایـت مابانه صـورت گرفتـه در طی آن عمـلا از چارچوب اصـول اعتـراض مصالحـه آمیـز خـارج بوده اسـت و سـوم اینکـه بنظـر می‌رسـد جبهـه اصلاحات امسـال بـا طرح ایـن دوگانه قصد در ارعـاب مردم از سـایر نامزدها و جلـب آراء معترضـان ۱۴۰۱ را دارد. ایـن دوگانـه هم به نوعـی می‌تواند مخرج مشـترکی با حامیان و بانیان اغتشاشات ۱۴۰۱ باشـد. زیرا آن‌ها هم هنوز معتقد هسـتند جنبش زنآ اعتراض بوده نه‌اغتشاش!

درنهایـت ذکر این نکته که سـال گذشـته در همایش سیاسـی اتحادیه در اسفندماه ۱۴۰۱، توفیـق حاصل شـد پای صحبت پدر شـهید روح الله عجمیـان بنشـینیم. قطعـا همگـی داسـتان شـهادت ایـن بسـیجی عزیـز را می‌دانیـم. امـا قرابت ایـن خاطره بـا موضوع فوق اینسـت که پزشـکیان یکی از کسـانی بـود که بـا فشـار بدنبـال گرفتن رضایـت از خانـواده شـهید برای قاتـلان او بـود. قاتلان یک قتل وحشـیانه و عمد. کار به آنجا رسـید کـه در تلویزیـون هم مانع طرح ایـن ماجرا از سـوی خانواده شهید شـدند... در پاسخ به این علـت کـه چرا پزشـکیان بدنبـال تبرئـه این جنایتـکاران بـود، گمانـه زنی‌هایـی صـورت گرفته؛ شاید چون پزشک بودند!

داسـتان موضـع گیـری پزشـکیان بـه فوت مهسـا امینی هم جالب اسـت. اظهـار نظر او در شـبکه خبـر درمـورد فوت امینـی و متهم کـردن بـدون مـدرک نیـروی انتظامـی در بحبوحـه وقایـع ۱۴۰۱ هـم در جایـگاه خود لازم توجه است.

دوگانه‌ی
بی‌سواد و فرهیخته

این دوگانه هم از دوگانه‌های مطرح شده در مناظرات سال ۱۴۰۰ بود که مانور زیادی روی آن داده شد. این دوگانه را مهرعلیزاده، کاندید جبهه اصلاحات خطاب به شهید رئیسی مطرح کرد و همان زمان هم شبهات زیادی درمورد سطح تحصیلات شهید رئیسی بوجود آورد. گزاره تمسخر آمیز شش کلاس سواد کلیدواژه همین دوگانه بود. در مقابل این برخورد، بیان گزاره‌هایی چون من متخصص اقتصاد هستم، من استاد فلان دانشگاه هستم و حتی اتهام طرح شده از جانب همتی خطاب به رضایی درمورد دریافت مدرک تحصیلات تکمیلی خود با تهدید از دانشگاه، از دیگر نمونه‌های طرح شده این دوگانه در انتخابات است. در فضای انتخابات حاضر هم تاکید کاندیدای جبهه اصلاحات در موارد گوناگون ناظر به سطح تحصیلات خود و مانور روی گزاره ما سهمیه‌ای درس نخواندیم، می‌تواند نشان از این باشد که در طی روزهای آتی از این دوگانه برای تخریب رقبا استفاده‌شود.



دوگانه‌ی
فیلترینگ و فضای باز مجازی

یکی از دوگانه‌های پر کاربرد روزهای اخیر مسئله فیلترینگ است. درمورد این دوگانه ابتدا باید چند نکته را در حوزه فضای مجازی در نظر گرفت: اول آنکه در همه کشورها قوانینی بر فضای مجازی حاکم است و این فضا رها شده نیست. در بسیاری از کشورهایی که داعیه آزادی دارند، قوانین این حوزه به مراتب بیشتر و سختگیرانه تر از ایران است. دوم؛ بواسطه گسترش و اثرگذاری غیر قابل انکار فضای مجازی در زندگی حقیقی، این حوزه نیازمند سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان است. هرچند فیلترینگ به معنای قطع کامل ارتباط با سرورها و اپلیکیشن‌های خارجی چه در عمل و چه در نظر غیر منطقی است منتهی رها کردن این فضا را هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد. سوم؛ فضای مجازی در کنار فرصت گسترده‌ای که در حوزه‌های گوناگون برای مردم کشور فراهم می‌کند، یک شمشیر دو لبه است! این فضا نباید امنیت کشور را به مخاطره بیندازد. در داستان اغتشاشات ۹۸ و ۱۴۰۱، سهم بزرگی از شایعه پراکنی‌ها و تشویش اذهان عمومی در این فضا رخ می‌داد؛ انتشار اخبار کذب، ارعاب و تهدید شهروندان، هماهنگی تروریست‌ها برای اجرای عملیات‌های تروریستی و ارتباط گیری با سرشاخه‌های داخلی و تلاش برای

برانـدازی نظـام از جملـه تهدیدهـای این فضا بـود کـه به عینـه در این بـازه زمانی بـه وقوع پیوسـت. لذا باید به موضوع فیلترینگ بصورت تخصصی و کارشناسـانه ورود کرد. این دوگانه عـوام فریبانـه هـم در سـال ۱۴۰۰ و از سـوی مهرعلیـزاده خطـاب به رئیسـی مطرح شـد و رئیسـی را کـه در آن زمان رئیـس قوه قضاییه بود، مسـئول آن معرفی کـرد. جدای از مباحث تخصصـی این حوزه که بایـد در جایگاه خود و توسـط اهل فـن بررسـی و تبیین شـود اما در سـاده تریـن تحلیـل ایـن دوگانـه بایـد گفت شـورای عالـی فضای مجـازی زیـر مجموعه معاونـت حقوقـی ریاسـت جمهـور تعریـف می‌شـود. امری کـه در زمان طرح ایـن ادعا در حیطه مدیریت دولت روحانی بود!



دوگانه‌ی
میدان مقاومـــت و منافع ملی

ایـن دوگانـه بـه کـرات در طـی مناظـرات سـال‌های اخیـر و به طرق مختلفـی بکار رفته اسـت. ایده اصلی این دوگانـه روبروی هم قرار دادن دو گـزاره میـدان مقاومـت و منافـع ملی اسـت و بر اسـاس آن معتقد است هر شخص یـا گفتمانـی کـه از میـدان مقاومـت دفـاع و حمایت کند، عملا برنامـه و یا دغدغه‌ای برای اصـلاح کشـور و حفـظ منافـع ملـی نـدارد و بناسـت ملت را فدای محور مقاومت کند. حال آن کـه در عمل دیدیم دیپلماسـی مقاومت نه تنهـا به تضعیـف منافع ملی منجر نشـد بلکه شـاهد حفظ عزت و منافـع ملی در عرصه بین الملـل بودیم. طراحان ایـن دوگانه با مانور روی ایـن گزاره کـذب که منافع محـور مقاومت در مقابل منافع ملی اسـت و حتـی می‌تواند نافی آن باشـد، قصد تضعیف هر کاندیدی که قائل به گفتمان مقاومت در دیپلماسـی پیشـنهادی خـود اسـت را دارنـد. نمونـه بسـیار بـارز ایـن دوگانـه در روزهای ابتدایی دهه ۹۰ و با شـدت گرفتن جنگ در سـوریه و اعـزام مدافعان حرم طـرح شـد و روی ایـن دوگانـه کاذب تا حدی مانور داده شـد که به نوعی شـکاف اجتماعی در زمـان دولت یازدهم و حتـی دولت دوازدهم بـدل شـد. البتـه در سـال‌های اخیـر و بـا دسـتاوردهای بزرگ جبهه مقاومـت در میدان که ثمره خون شـهیدان و مجاهدت رزمندگان جـان بر کـف این میدان اسـت، ایـن دوگانه تا حدود زیادی از حیطه انتفاع خارج شـده اسـت. منتهی امسـال انتظار می‌رود این گزاره از موارد طرحی باشـد. نکته مهم اینسـت که این گزاره بصـورت مغالطـه و بـه وفـور از صحبت‌هـای خـود اعضای جبهـه انقلاب قابل اسـتخراج و سوءاسـتفاده اسـت. لذا لازم است در این زمینه بـا دقـت عمل شـود. بدین معنـا کـه در زمان طـرح کاندیـد اصلـح صرفـا بـر گـزاره میدان مقاومـت تاکیـد نشـود بلکـه در درجـه اول بر گفتمـان اجرایـی و برنامه‌هـای او در میـدان کشـور و سپس در کنار آن بر گفتمان مقاومت هم تاکید شود.

کلام آخر

هرچند در باب دوگانه‌های کاذب و شبهات پیرامون آن‌ها سخن بسیار است، اما تلاش شد در متن حاضر به طرح و تحلیل مهمترین و شائبه بر انگیزترین آن‌ها بپردازیم. مغالطاتی که هدف از بررسی آن‌ها، تجهیز سیستم محاسباتی خوانندگان به ابزار و محکی برای تشخیص حق از باطل و سره از ناسره است. نکته لازم توجه اینکه در این رهگذر و برای رسیدن به تحلیل‌های صحیح لاجرم باید به بررسی تاریخ سیاسی دهه‌های اخیر و جریان شناسی سیاسی انقلاب اسلامی بپردازیم. امری که در فضای کنونی جنبش دانشجویی، مورد غفلت واقع شده است و متاسفانه این عدم آگاهی منجر به هزینه سازی‌های بسیار شده است. امید است این جزوه گامی باشد، در جهت تحقق این مهم. انشاءالله این قدم‌ها، هر چند کوچک مورد عنایت حضرت حجت قرار گیرد.

وَقَالَ علیه السلام
مَا أَكْثَرَ الْعِبَرَ وَ أَقَلَّ الاعْتِبَارَ

چه بسیار است عبرت‌ها و پندها وچه کم است پند پذیرفتن

خطبه ۲۰۹ نهج البلاغه